

خبر

روحانی: کاهش در آمد نفتی را جبران می کنیم

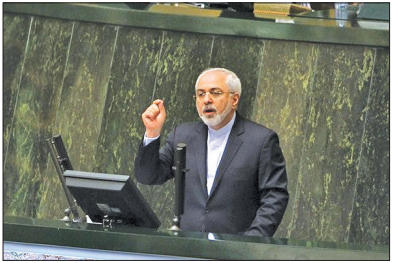


ایسنا| رئیس جمهوری پیش از ظهر چهارشنبه در جریان سفر کاروان تدبیر و امید به استان کرمانشاه گفت: حدود یک سال و نیم قبل به کرمانشاه سفر کردیم تا به معضلاتی که مردم در زلزله پیدا کرده بودند رسیدگی کنیم. آن روزها روزهای غمگینی برای همه ما بود و امروز خدا را سپاسگزارم که در شرایطی به این منطقه آمدم که مهندسین، کارگران و مدیران ما کاری عظیم را به ثمر رساندند.

روحانی در ادامه با اشاره به برداشت ۸ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ارزی جهت تکمیل طرح آبپای گرمسیری غرب کشور گفت: از مقام معظم رهبری سپاسگذاری می‌کنم که در سال ۹۳ با درخواست برداشت ۸ میلیارد دلار اعتبار از صندوق توسعه ارزی به عنوان وام برای تکمیل طرح آبپای گرمسیری غرب کشور موافقت کردند. دولت متعهد است که این پول را همراه با سود آن بازپرداخت کند.

او تصریح کرد: اگر بر فرض با فشارهایی که می‌آوردند از پول نفت کمتر به ما برسد، ان‌شاءالله از جای دیگری جبران خواهیم کرد. ضمن این که نفت خود را به حول و قوه الهی به فروش می‌رسانیم و این حرف کاملاً بی اساس و بی پایه‌ای است که آمریکا بگوید ما این پول را می‌آوردیم که جلوی فروش نفت ایران را بگیرند. قدرت آنها به حدی نیستند زبان آنها دراز است، اما قدرتشان خیلی محدودتر از زبانشان است.

ظریف در گفت و گو با الجزیره:
یک ایرانی هم در مقابل آمریکا تسلیم نخواهد شد



ایسنا| وزیر خارجه ایران تاکید کرد: حتی یک ایرانی را پیدا نمی‌کنیم که گزینه تسلیم در مقابل آمریکا را انتخاب کند.

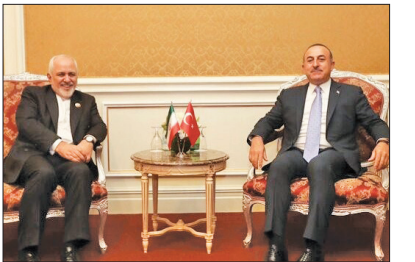
مناسبات ایران و آمریکا صادرات نفت ایران، خلیج فارس و تنگه هرمز، تحریم‌ها و تروریسم اقتصادی آمریکا، توطئه‌های گروه بی، مناسبات منطقه ای ایران، روابط با عربستان، بحران یمن، نفوذ منطقه ای ایران، مبارزه با تروریسم و ... از جمله محورهای گفت‌وگوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با شبکه الجزیره انگلیسی بود که بزودی از این شبکه پخش خواهد شد.

صفحه اینستاگرام سخنگوی وزارت خارجه از دسترس خارج شد



رویداد ۱۲۴ روابط عمومی وزارت خارجه با بیان اینکه صفحه اینستاگرام سخنگوی وزارت خارجه از دسترس خارج شده اعلام کرد: تا زمان بازگرداندن آن صفحه یا ایجاد صفحه جدید، موسوی هیچگونه فعالیت در اینستاگرام نخواهد داشت. روابط عمومی وزارت امور خارجه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «پیرو اطلاعیه قبلی، به اطلاع می‌رساند صفحه اینستاگرام سید عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه (که از شامگاه ۱۸ اردیبهشت ۹۸ راه اندازی شد) به دلایل نامعلوم از دسترس خارج شد و تلاش برای بازگرداندن آن ادامه دارد. از این رو تا زمان بازگرداندن آن صفحه یا ایجاد صفحه جدید، ایشان هیچگونه فعالیت در اینستاگرام نخواهد داشت و هرگونه فعالیت به نام ایشان یا مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای وزارت امور خارجه مورد تأیید نیست.»

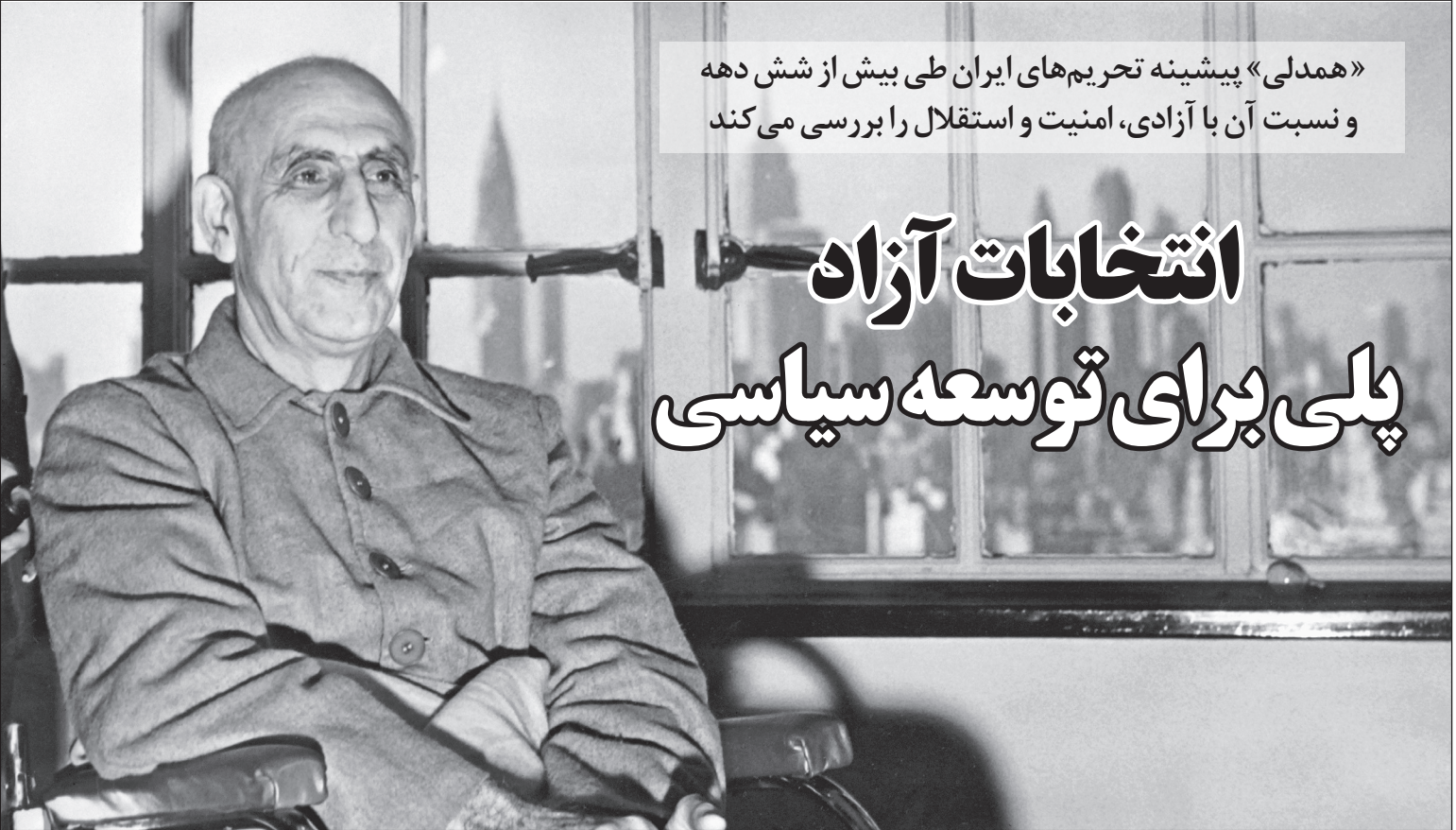
مبارزه با پ‌ک‌ک و پژاک در اولویت امنیتی ترکیه و ایران است



ایسنا| وزیر امور خارجه ترکیه که در حاشیه نشست مجمع همکاری گفت‌وگوی آسیایی در قطر با وزیر امور خارجه کشورمان دیدار کرد، محورهای گفت‌وگو در این دیدار را در صفحه توئیتر خود منتشر کرد. مولود چاوشو اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه درباره این دیدار نوشت: باید تلاش خود را برای افزایش میزان تجارت ترکیه-ایران دوچندان کنیم. مبارزه علیه پ‌ک‌ک و پژاک در اولویت همکاری امنیتی ما قرار دارد.

«همدلی» پیشینه تحریم‌های ایران طی بیش از شش دهه و نسبت آن با آزادی، امنیت و استقلال را بررسی می‌کند

انتخابات آزاد پکی برای توسعه سیاسی



میان‌مدت برای بن بست روابط خارجی‌مان با آمریکای ترامپ ممکن است در نظر بگیریم، باید به این مشکل در ابعاد درازمدت نیز توجه نمود. واقعیت امر این است که تناقض مشروح، هر چند واقعی-ست اما در درازمدت ادامه دانی نیست؛ ما نه می‌توانیم به طور کلی از امنیت و استقلال‌مان چشم‌پوشیم و نه حاضریم برای داشتن موشک، تحریم‌شده و وضع اقتصادی کشورمان را دگرگون‌بینیم.

می‌توان با استناد به تاریخ جنگ‌های دو قرن اخیر نشان داد (و در علم روابط بین‌الملل هم امری اثبات شده‌است) که کشورهای که دارای نظام انتخاباتی نسبتاً آزاد هستند و در تعبیر مجمل توسعه سیاسی پیدا کرده‌اند، نمی‌توانند حتی در صورت میل حاکمان با یکدیگر درگیر شوند و سطح تنش‌ها از حدی بالاتر نمی‌رود. علت آن هم دشوار نیست: مردمی که تعیین کننده سیاستمداران و پرنانده تنش هستند، تنها در صورتی که سه تهدید بودن طرف مقابل قانع شوند اجازه درگیری می‌دهند و در غیر این صورت شکست، سرنوشت محتوم حاکم و جرنالی خواهد بود که به افکار عمومی بی‌توجهی کرده باشد.

لس‌آن مثلاً برای درگیری نظامی، تحریم و یا هر تنش سطح بالای دیگری دولت‌ها در این کشورها تلاش می‌کنند که با استناد به مواضع و رفتارهای کشور هدف، آن را در افکار عمومی خود عنصر نامطلوب معرفی کرده و در نتیجه هرگونه مقابله با آن را توجیه کنند. بنابراین اگر بتوان توسعه سیاسی و آزادی نظاممند را تا حدی در کشور دامن زد که ایجاد هراس در مورد ایران باورناپذیر و به مرور کشور را با همه موقعیت ویژه و گزیناپذیرش از سرخط خبرها خارج کرد، قطعاً هزینه حفظ امنیت و استقلال نسبت به تمامی شمت و شش سال مورد بررسی بسیار پایین‌تر خواهد آمد و هزینه هرگونه درگیری و تنش با ایران یا حمایت از چنین تنشی برای هر کشور انتخاباتی پایهای فروز خواهد شد. از این رو دیگر برای حفظ موشک‌ها و حتی ازدیاد قدرت دفاعی و بازدارندگی نیاز به تحمل تحریم و تهدید نخواهد بود و ضمن آن توسعه پایدار و همه جانبه کشور و افزایش سطح رفاه و ثبات اقتصادی که امروز قطعاً بیش از هر زمان دیگری مورد توجه توده مردم است، نیاز به هیچگونه وادادگی، کوتاه کردن دیوارهای امنیتی و با کاستن از سطح استقلال نیست؛ امنیت و استقلال می‌تواند به توسعه و رفاه جمع شود، به شرط آنکه توسعه سیاسی و آزادی نظاممند و تضمین شده برای درازمدت به عنوان یک استراتژی همه جانبه و در تمامی ابعاد در دستور کار قرار بگیرد و آن زمان است که تمام چرخ‌ها بدون هیچگونه فشار و اراده مجددی شروع به چرخش هم‌نو خواهند کرد. نکته مهم در این باب اینک: در این راه حل، آزادی و توسعه سیاسی به شرحی که رفت به واسطه نتیجه مستقیم‌ی که با افزایش هزینه تنش دیگران یا ایران برای ایشان دارد، اصل و مبنای است و نه امری زینتی؛ هم مبنای مطمئنی است برای رفاه و توسعه و هم تضمینی از آن برای امنیت و استقلال.

می‌رسد. اما همانطور که وزیر خارجه در کنفرانس امنیت مونیخ از جمع پرسید، آیا ایرانیان در مقابل پیشرفته ترین تسلیحاتی که آمریکا و غرب به رقبای منطقه‌ایش داده‌اند، می‌یابست با شمشیر آخته از خود محافظت کند؟ پرسش اخیر، به گونه‌ایست که راحت نمی‌توان پذیرفت که شهروندی متعلق به این خاک، از آن صرف نظر کند. این پرسش همانطور که رفت، حتی از حد دغدغه‌های حکومتی فراتر است و مساله و تناقضی ملی‌ست. به طوری که گهگاه- همچون در قضیه هستتای- به گوش می‌شنویم و به دیده می‌بینیم که قدیمی‌ترین منتقدان نظام حاکم که خود گاه از زعیمان پیش از انقلاب بودند، در پاسخ به این پرسش با حاکمیت اتفاق نظر دارند و مساله را نه نظام سیاسی، که موجودیت اصل ایران می‌بینند.

از طرف دیگر اگر اراده ملی بر آن باشد که بی هیچ ملاحظه‌ای در زمینه دفاعی و نظامی خود را مجهز نگاه داریم تا احیاناً طمع بدخواهان برانگیخته نشود، ناگهان باز بزرگ‌تری همچون رئیس جمهور استثنایی آمریکا تمام محاسبات را بر هم می‌ریزد و فشارهای ظالمانه ولی واقعی را بر ما وارد می‌آورد. این تناقض سطح معما را از انتقادات و رقابت‌های سیاسی بالاتر می‌برد و دیگر انتقاد را با شرط انصاف تنها به نظام حاکمیتی، دانش و مدیریت نسبت نمی‌توان داد. بلکه اصل موضوع به همان واسطه که رفت مورد سوال است و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد. از طرف دیگر پرواضح است که شرایط اجتماعی ما در موقعیت کنونی با گذشته خودمان هم در مقایسه قرار نمی‌گیرد، چه رسد به منزویان حداکتری همچون کره شمالی؛ مردم ما امروز هر چند هنوز برای استقلال و امنیت کشور اولویت درجه اولی قائلند اما در عین حال نه آن قدر ایدئولوژیک‌اند که بتوانند بیش از حد آنرا و مشکلات اقتصادی و رفاهی را برزنند و نه اساساً دلیل فوق برایشان کافی و راضی کننده است. پس فراغ از آنچه امروز و به عنوان امر کوتاهمدت و

به نوع رویکرد اتخاذ شده و نیز سر کار بودن دولت دموکرات «بیل کلینتون» در ایالات متحده آمریکا این فشار و آنرا مجموعاً از هر دو طرف فروکاسته شد و علی‌رغم هر آنچه بر روی کاغذها نوشته شد، شرکت‌های بزرگ نفتی و صنعتی در ایران در حال فعالیت دیده شدند و ارتباط کشور با جهان تا حدی نزدیک شد اما در هر صورت روند کلی با همه فشار و فرودها، تنش آلود ادامه یافت تا آنرا در دولت احمدی نژاد با همراهی قطعه‌نامه‌های پیاپی واصله از شورای امنیت سازمان ملل و نیز تحریم‌های یک جانبه اروپا و آمریکا مرتباً تقویت شده و نهایتاً به حد اکمل و اکثر خود رسید.

قطع نظر از هر آنچه ضعف‌های تصمیم‌گیری، تاکتیکی و اجرایی در این دوره مسجل است، تمام دوران پس از انقلاب ما را به این جمع بندی می‌رساند که عمداً ما به واسطه صحنه‌ای که پیش روی داشتیم ملزم به انتخاب میان این دو محور از منافع ملی بودیم



از طرف دیگر اگر اراده ملی بر آن باشد که بی هیچ ملاحظه‌ای در زمینه دفاعی و نظامی خود را مجهز نگاه داریم تا احیاناً طمع بدخواهان برانگیخته نشود، ناگهان باز بزرگ‌تری همچون رئیس جمهور استثنایی آمریکا تمام محاسبات را بر هم می‌ریزد و فشارهای ظالمانه ولی واقعی را بر ما وارد می‌آورد. این تناقض سطح معما را از انتقادات و رقابت‌های سیاسی بالاتر می‌برد و دیگر انتقاد را با شرط انصاف تنها به نظام حاکمیتی، دانش و مدیریت نسبت نمی‌توان داد. بلکه اصل موضوع به همان واسطه که رفت مورد سوال است و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد.

از طرف دیگر پرواضح است که شرایط اجتماعی ما در موقعیت کنونی با گذشته خودمان هم در مقایسه قرار نمی‌گیرد، چه رسد به منزویان حداکتری همچون کره شمالی؛ مردم ما امروز هر چند هنوز برای استقلال و امنیت کشور اولویت درجه اولی قائلند اما در عین حال نه آن قدر ایدئولوژیک‌اند که بتوانند بیش از حد آنرا و مشکلات اقتصادی و رفاهی را برزنند و نه اساساً دلیل فوق برایشان کافی و راضی کننده است. پس فراغ از آنچه امروز و به عنوان امر کوتاهمدت و

به نوع رویکرد اتخاذ شده و نیز سر کار بودن دولت دموکرات «بیل کلینتون» در ایالات متحده آمریکا این فشار و آنرا مجموعاً از هر دو طرف فروکاسته شد و علی‌رغم هر آنچه بر روی کاغذها نوشته شد، شرکت‌های بزرگ نفتی و صنعتی در ایران در حال فعالیت دیده شدند و ارتباط کشور با جهان تا حدی نزدیک شد اما در هر صورت روند کلی با همه فشار و فرودها، تنش آلود ادامه یافت تا آنرا در دولت احمدی نژاد با همراهی قطعه‌نامه‌های پیاپی واصله از شورای امنیت سازمان ملل و نیز تحریم‌های یک جانبه اروپا و آمریکا مرتباً تقویت شده و نهایتاً به حد اکمل و اکثر خود رسید.

قطع نظر از هر آنچه ضعف‌های تصمیم‌گیری، تاکتیکی و اجرایی در این دوره مسجل است، تمام دوران پس از انقلاب ما را به این جمع بندی می‌رساند که عمداً ما به واسطه صحنه‌ای که پیش روی داشتیم ملزم به انتخاب میان این دو محور از منافع ملی بودیم

از طرف دیگر اگر اراده ملی بر آن باشد که بی هیچ ملاحظه‌ای در زمینه دفاعی و نظامی خود را مجهز نگاه داریم تا احیاناً طمع بدخواهان برانگیخته نشود، ناگهان باز بزرگ‌تری همچون رئیس جمهور استثنایی آمریکا تمام محاسبات را بر هم می‌ریزد و فشارهای ظالمانه ولی واقعی را بر ما وارد می‌آورد. این تناقض سطح معما را از انتقادات و رقابت‌های سیاسی بالاتر می‌برد و دیگر انتقاد را با شرط انصاف تنها به نظام حاکمیتی، دانش و مدیریت نسبت نمی‌توان داد. بلکه اصل موضوع به همان واسطه که رفت مورد سوال است و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد.

از طرف دیگر پرواضح است که شرایط اجتماعی ما در موقعیت کنونی با گذشته خودمان هم در مقایسه قرار نمی‌گیرد، چه رسد به منزویان حداکتری همچون کره شمالی؛ مردم ما امروز هر چند هنوز برای استقلال و امنیت کشور اولویت درجه اولی قائلند اما در عین حال نه آن قدر ایدئولوژیک‌اند که بتوانند بیش از حد آنرا و مشکلات اقتصادی و رفاهی را برزنند و نه اساساً دلیل فوق برایشان کافی و راضی کننده است. پس فراغ از آنچه امروز و به عنوان امر کوتاهمدت و

و غالباً محور استقلال و امنیت بر گزیده شده است.

عصر ناهنجاری در آمریکا
حتی در دولت کنونی نیز که مثنی متفاوتی با جهان بی گرفته شد، به‌واسطه روی کار آمدن عنصری نابه‌نجان در ایالات متحده، ایران تا حدی از دستاوردهای اقتصادی بر جام که متوجه محور دوم یعنی رفاه و توسعه بود محروم ماند، هرچند توانست به واسطه همین مذاکرات اعتمادساز- بخش عمده قدرت‌های مغرب زمین را تا حد زیادی با خود همراه ساخته و اتفاقاً امنیت و استقلال را از راهی نو به ارمان آورد.

امین حلالا هم که آمریکا از برجام خارج شده و تحریم‌های موثری اقتصاد کشور را مورد حمله قرار داده است انگار به رخ ما کشیده می‌شود که استقلال و امنیت ما که به واسطه برجام به طرز جدیدی دامن زده و موکد شده بود، هزینه دارد و با گشایش‌های ناشی از توافق هسته‌ای قابل جمع نیست. انگار باید میان این دو یکی را انتخاب کرد.

به خصوص که چند صباخی است نواهایی در خصوص موضوع موشکی ایران از جانب آمریکا با صدای بلند و از سوی اروپا با صدای کوتاه‌تری به گوش



همدلی | گروه سیاسی: در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و با همزمانی دو اتفاق، یعنی اقتدار براسخته و بازفاته شاه از یک سو و افزایش هرچند محدود درآمدهای کشور که در ادامه بیشتر هم شد، فصل جدیدی از تاریخ معاصر در حال آغاز بود.

از آن روز تا کنون، فارغ از آنچه گذشته، سیاست، جامعه و افکار عمومی ایران همواره خود را در مقابل پرسشی یافته که جهات مختلف سیاست‌سازی و کنش‌های بین‌المللی را نیز دامن زده است. پرسشی در باب ارزش‌های مسلمی که هر از چندگاهی گرایش از متقابلان عرصه سیاست به طرفداری از یکی، دیگری را آماج حملات خود قرار داده و گاه حرکت‌های عظیم سیاسی و اجتماعی را به آن واسطه سبب و فاعل می‌شود. انتخابی میان امنیت و استقلال از یک سو و توسعه و رفاه از سویی دیگر.

این پرسش فی‌الواقع انتخابی است میان دو دسته از ارزش‌هایی که حتماً ملت به‌عنوان یک کل واحد و هر فرد به عنوان شنونده‌ای بی‌طرف یا صاحب موضع نمی‌تواند از آن چشم‌پوشیده یا منکر شود الا به اینکه به سبب اولویت دسته‌ای دیگر و «خاص» دیدن شرایط به تناسب روابط خارجی کشور را مجبور به انتخاب میان یک دسته از این ارزش‌ها ببیند که بالطبع با توجه به ایدئولوژی حاکم بر طبقه حاکم و نیز نقطه‌ای که مردم و افکار عمومی در آن قرار دارند، آن دسته که در اولویت بالاتر دانسته می‌شود مرجح بوده و ارزش‌های دیگر را در حاشیه قرار می‌دهند.

نهیض ملی و دکتر مصدق
آنچه در گرماگرم نهیض ملی و مبارزات «دکتر محمد مصدق» با سلطه بریتانیا بر نفت ایران رخ داد و در نقطه اوجش تحریم‌هایی علیه دولت او وضع شد که شرایط بد اقتصادی را نیز رقم زد و دولت را مجبور به فروختن اوراق قرضه برای اداره کشور کرد که، «ترجیح دادن استقلال به رفاه» بود.

در ادامه و پس از کودتا، شاه ابتدا با درآمدهای حاصل از کنسرسیون نفت و نیز کمک‌های موسوم به «کمک‌های فنی اصل چهارم ترومن» از ایالات متحده در نیمه نخست و بالا رفتن درآمدهای نفتی در نیمه دوم زعامت پسا کودتایش تلاش کرد تا بیش از پیش به ایالات متحده و اروپا از نظر استراتژیک نزدیک شود و شدد. کار تا جایی پیش رفت که به نهایت از آمریکا به جنگ با بلوک چپ‌گرا در عمان رفت، مشاورین متعددی عمدتاً از طرف ایالات متحده به ارتش و دیگر بخش‌های اداری و حکومتی و نیز بخش خصوصی ایران اضافه شده بودند و در عین حال توانست از یک طرف به‌خصوص در دهه چهل بیشترین رشد اقتصادی را تجربه کند و از سوی دیگر تجهیزات پیشرفته از بلوک غرب به خوبی سازمان دهد.

با توضیح مختصری که در این باب رفت و با توجه به آنچه در روند منتهی به انقلاب به آسانی قابل مشاهده است، موضع و دآوری تاریخی ما هر چه باشد در رفت عمده مردم و به‌خصوص منتقدان نظام شاهنشاهی پساکودتایی، مبتنی بر خشخاش بودن استقلال کشور و تعیین‌کنندگی متحدان راهبردی حکومت در جزئیات حاکمیتی کشور بود و این در یک کلام، قربانی کردن استقلال کشور به نفع توسعه و احیاناً رفاه هرچند نامتوازن است.

حتی باید اذعان کرد که با توفیق انقلاب و تأمین مطلوب استقلال به‌عنوان یکی از شعارهای برجسته آن، لااقل به دلیل تحریم‌ها و آنواهایی که از خارج به کشور تحمیل شد کم یا زیاد در برهه‌های مختلفی که دیدگاه‌های متنوعی بر سر کار اجرای امور در کشور قرار داشتند مجدداً توسعه و به‌خصوص رفاه ملی در درجه پایین‌تری از امنیت و استقلال کشور قرار گرفت. گفت‌و غالب در این سال‌های پس‌انقلاب متضاد حفظ استقلال و امنیت کشور بود در مقابل بیگانگی که نوعاً نظرسوء و دشمنی، وجه بارز راهبردشان است.

طبعاً در زمان دفاع هشت ساله به‌واسطه راهبرد حلیانه قدرت‌های بزرگ جهان از عراق ما را در وضعیتي حداکثري از تریج امنیت به رفاه و توسعه قرار داد، تا حدی که به تقرب می‌توان گفت که این دو اخیر به کلی متوقف البته این توقف طبیعی هم بود.

دولت‌های سازندگی و اصلاحات
در دولت‌های سازندگی و اصلاحات طبعاً با توجه

دیپلماسی

در پی اهمیت مناسبات با همسایه جنوبی صورت گرفت؛

حضور مهم ظریف در قطر



تواند در عرصه اقتصادی با توجه به تحریم‌های خصمانه دولت آمریکا علیه ایران، در سطح اقتصادی در کشور کمک کند.

به گفته صدقیان، قطر عضو شورای همکاری خلیج فارس است که ۶ کشور عربی از